



چرامصوبه مجلس
برای صنعت برق حیاتی است؟

چالش برق غیر مجاز
در اقتصاد

«تعالد» روند معاملات بازار سهام را بررسی می کند

بورس در قله ۷ میلیونی

صعودی و ادامه‌دار را تجربه کند. نخستین مورد تداوم ورود نقدینگی به بازار سهام است. در معاملات روز اخیر نزدیک به ۴ هزار میلیارد تومان پول وارد سهام حق تقدم و صندوق‌های سهامی شده در حالی که خروج بیش از ۴۰۷ هزار میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت نشان می‌دهد بخشی از سرمایه‌ها همچنان در حال حرکت به سمت دارایی‌های ریسکی‌تر است. به بیان ساده‌تر سرمایه‌داران سود بیشتر را در قبال ریسک بیشتر قبول کرده‌اند...

صعودی و ادامه‌دار را تجربه کند. نخستین مورد تداوم ورود نقدینگی به بازار سهام است. در معاملات روز اخیر است بازار سهام در روزهای اخیر روندی مثبت و روبه‌رشد را تجربه کند و شاخص کل نیز با عبور از محدوده‌های مهم، رکوردهای تازه‌ای را به ثبت برساند. عبور شاخص کل بورس از کانال ۷ میلیون واحد را نمی‌توان صرفاً حاصل رشد چند نماد بزرگ دانست و بررسی روند معاملات در این روز نشان می‌دهد که دست‌به‌دست هم دادن چند عامل باعث شده که شاخص کل بورس روند

رکورددشکنی‌های شاخص کل بورس تهران همچنان ادامه دارد و بازار سهام هر روز در محدوده‌های جدیدی قرار می‌گیرد. روز سه‌شنبه نیز شاخص کل بورس تهران با ورود به محدوده ۷ میلیونی، رکورد جدیدی را در کارنامه بازار سرمایه به ثبت رساند. در همین حال، برخی کارشناسان عقیده دارند عوامل مختلفی در رشد اخیر بازار سهام نقش داشته‌اند. به اعتقاد این گروه از کارشناسان، عرضه‌های اولیه اخیر در کنار افزایش نرخ دلار در بازار آزاد و اثر گذاری آن بر نرخ دلار حواله‌از

حاج اسماعیلی در گفت و گوبا «تعالد» از ضرورت توجه ویژه به معیشت حقوق بگیران و کارگران می گوید

ضرورت اجرای مصوبه بازنگری دستمزد



■ شاخص‌های اقتصادی چه نشان می‌دهند که شما و بسیاری از تحلیلگران دیگر می‌گویید بازنگری در دستمزدها دیگر یک خواسته نیست، بلکه یک ضرورت است؟

آمارها فراتر از تصور هستند. وقتی سبد معیشت را در شورای عالی کار استخراج کردیم، رقم آن حدود ۴۲ تا ۴۳ میلیون تومان بود، اما امروز این سبد به بیش از دو برابر افزایش یافته است. از سوی دیگر، تورم رسمی شاید متفاوت باشد، اما تورم نقطه به نقطه در بخش خوراکی‌ها از ۹۰ درصد عبور کرده است. طبق ماده ۴۱ قانون کار، وقتی این دو شاخص اصلی (تورم و سبد معیشت) چنین جهش شدیدی داشته باشند، بازنگری دستمزد دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای حفظ توان خرید مردم است.

■ دولت‌های قبل آن‌ها هرگز این رویکرد را در دستور کار نداشتند. دولت‌های قبل با چه استدلال‌هایی از اجرای بازنگری دستمزدها یا افزایش حمایت‌های معیشتی خودداری می‌کردند؟

معمولاً به بهانه‌های مثل «کمبود منابع مالی» یا «تورم‌زایی» از بازرس مصولیت‌شانه خالی می‌کردند. اما من می‌گویم اگر در شرایط بحرانی، مباحث امنیتی و دفاعی اولویت اول کشور است، معیشت، سلامت و امنیت اجتماعی مردم نیز باید هم وزن و متناسب با همین اهمیت مورد توجه قرار بگیرد. اگر کسی در خصوص هزینه‌های دفاعی بهانه کمبود منابع را بیاورد، همه او را نقد می‌کنند، معیشت کارگران و دهک‌های محروم از جمله مسائل بنیادین کشور است

تولید از مسیر بنگاه‌های کوچک

مواد اولیه یا نقدینگی مورد نیاز، امکان افزایش تولید دارند، بدون آنکه نیازی به ساخت کارخانه جدید یا سرمایه‌گذاری‌های سنگین باشد. اهمیت این موضوع از آنجایی‌تر می‌شود که بنگاه‌های کوچک و متوسط، ستون اصلی اشتغال در اقتصاد ایران هستند. برخلاف صنایع بزرگ که نقش مهمی در ارزآوری دارند، این واحدها بیشترین سهم را در اشتغال محلی و تولید در قبال تولید ایران در بخش، علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی، به افزایش عرضه کالا در بازار نیز منجر می‌شود و از فشارهای تورمی می‌کاهد. با این حال، مانع اصلی رونق این بخش بیش از آنکه مالی باشد، نهادی و اداری است. بروکراسی ناکارآمد، تغییر مداوم مقررات و بی‌ثباتی مدیریتی، هزینه فعالیت تولیدکنندگان را افزایش داده و بسیاری از واحدها را از توسعه فعالیت بازداشته است. اصلاح قوانین، تسهیل فرآیندهای اداری و ایجاد ثبات در تصمیم‌گیری، شاید بیش از هر بسته حمایتی دیگری بتواند به تولید کمک کند. از سوی دیگر، کاهش وابستگی به ارز خارجی نیز از همین مسیر قابل تحقق است. بنگاه‌هایی که مواد اولیه خود را از داخل تأمین می‌کنند، کمتر در معرض نوسانات ارزی قرار می‌گیرند

زهراسلیمانی | مطابق مصوبه اسفندماه ۱۴۰۴ شورای عالی کار، دولت موظف است در نیمه دوم سال ۱۴۰۵ با توجه به تغییرات تورمی و سبد معیشت، دستمزدهای کارگران و حداقل بگیران را مورد بازنگری قرار بدهد. در شرایط فعلی با جهش تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها به بالای ۹۰ درصد و دو برابر شدن هزینه‌های معیشتی، زمان اجرای این مصوبه فرا رسیده است. حمید حاج اسماعیلی، تحلیلگر بازار کار، در گفت‌وگوبا «تعالد» بر ضرورت فوری تشکیل جلسات شورای عالی کار و بر خورد جدی با بحران معیشتی تأکید می‌کند.

■ با توجه به مصوبه اسفندماه سال گذشته شورای عالی کار، اکنون بحث بازنگری در دستمزدها و حقوق حداقل بگیران دوباره داغ شده است. نظر شما درباره احکام حمایت از این اقشار از حمتش و اثر گذار چیست؟

بر خلاف سال‌های گذشته که درخواست بازنگری دستمزد صرفاً یک مطالبه از سوی نمایندگان کارگری بود و دولت‌ها معمولاً آن را نادیده می‌گرفتند، امسال مابا یک «تعهد قانونی» روبه‌رو هستیم که دولت چهارم خود را نسبت به اجرای آن متعهد می‌داند. در شورای عالی کار صراحتاً مصوب شد که در نیمه دوم سال ۱۴۰۵، با توجه به تحولات اقتصادی، نرخ تورم و سبد معیشت بازبینی شود. جامعه کارگری در سال گذشته، در شرایط خاص و بحرانی کشور، با صوری همراهی کرد تا دولت بتواند تصمیم‌گیری کند، اما اکنون زمان اجرای این مصوبه قانونی رسیده است.

یادداشت-۲



مر تقی افقه

قرار دارد، هزاران بنگاه کوچک و متوسطی که نه تعطیل شده‌اند و نه با ظرفیت کامل کار می‌کنند. امروز مساله اصلی اقتصاد ایران، فقط کمبود سرمایه‌گذاری نیست، بلکه استفاده نکردن از ظرفیت‌هایی است که همین حالا وجود دارند اما به دلیل کمبود سرمایه در گردش، بروکراسی پیچیده و بی‌ثباتی تصمیم‌گیری، نیمه‌فعال مانده‌اند. در شرایطی که اقتصاد ایران هم‌زمان با تحریم، محدودیت‌های تجاری و فشارهای ناشی از جنگ اقتصادی روبه‌رو است، فعال کردن ظرفیت‌های خالی تولید می‌تواند یکی از کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین راه‌های افزایش عرضه کالا و حفظ اشتغال باشد. بسیاری از واحدهای کوچک و متوسط با بخشی از توان اسمی خود فعالیت می‌کنند و تنها با تأمین

یادداشت-۱

چشم‌انداز بلندمدت
بازار بورس
و فرصت‌های پیش‌رو



علی فریقی

در حال حاضر، جدای از نوسانات کوچک و بزرگ کوتاه‌مدت، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آینده بسیاری از بازارهای مالی، به‌خصوص بازار بورس، شکل گرفته است. همین موضوع باعث شده پرسش‌های متعددی در خصوص مسیر آینده بازار، میزان بازدهی احتمالی، ریسک‌های پیش‌رو و همچنین بهترین زمان برای ورود یا افزایش سرمایه‌گذاری در بازار مطرح شود. بدیهی است هر چه بازه زمانی مورد بررسی طولانی‌تر شود، تعداد و تنوع عوامل اثرگذار نیز افزایش پیدا می‌کند. در یک تحلیل حرفه‌ای نمی‌توان صرفاً با بررسی وضعیت فعلی بازار، درباره آینده چند ساله آن تصمیم‌گیری کرد. برای دستیابی به یک دیدگاه منطقی، ابتدا باید شرایط کوتاه‌مدت بازار، روند شاخص‌ها، رفتار نقدینگی، وضعیت صنایع و عوامل اثرگذار بر قیمت‌ها را بررسی کرد سپس در مرحله‌ی جداگانه، متغیرهای بنیادی و کلان اقتصادی موثر بر چشم‌انداز بلندمدت بازار را مورد ارزیابی قرار داد. در واقع تحلیل بلندمدت زمانی می‌تواند اعتبار بیشتری داشته باشد که برآیند چندین عامل مختلف باشد؛ عواملی مانند وضعیت اقتصاد کلان، تورم، نرخ ارز، سیاست‌های پولی و مالی، قیمت کالاهای جهانی، وضعیت سودآوری شرکت‌ها، ارزش گذاری بازار، جریان نقدینگی، سیاست‌های اقتصادی و حتی ریسک‌های سیستماتیک. بنابراین، هرچه افق سرمایه‌گذاری بزرگ‌تر باشد، لازم است دامنه متغیرهای مورد بررسی نیز گسترده‌تر شود. با این حال، اگر بخواهیم تمام این موارد را در ساده‌ترین و خلاصه‌ترین شکل ممکن جمع‌بندی کنیم، می‌توان گفت بازار بورس در یک افق زمانی بلندمدت، در بخش قابل توجهی از پارامترهای خود ظرفیت ایجاد بازدهی مثبت را دارد. این موضوع صرفاً به شاخص کل محدود نمی‌شود و می‌توان آن را در بسیاری از شاخص‌های بازار، رفتار نقدینگی، صنایع مختلف و حتی تعداد زیادی از نمادهای بورسی مشاهده کرد. البته نکته بسیار مهم این است که رشد بازار در سال‌ها مدام‌های اخیر را نباید لزوماً به معنای پایان کامل روندهای نزولی گذشته تلقی کرد. در بسیاری از بخش‌های بازار، آنچه تاکنون اتفاق افتاده بیشتر شبیه شکست تدریجی روندهای نزولی چند ساله، تغییر ساختار حرکتی ایجادکننده‌های معتبر، تشکیل نواحی حمایتی و تلاش برای تثبیت در سطوح جدید قیمتی بوده است. به عبارت دیگر، بخش قابل توجهی از بازار هنوز در حال عبور از یک دوره فرسایشی طولانی است. بسیاری از نمادهای صنایع پس از تجربه افت‌های سنگین، مدت قابل توجهی را صرف ساختن، تثبیت قیمت و بازسازی روند کرده‌اند. بنابراین، در چنین شرایطی نمی‌توان تمام رشدهای شکل گرفته را صرفاً یک حرکت حیثانی یا کوتاه‌مدت دانست، بلکه در بسیاری از موارد، بازار در حال تلاش برای تغییر روندهای بزرگ‌تر و ورود به یک ساختار جدید است. از همین منظر، در یک افق سرمایه‌گذاری بلندمدت، اصلاح‌های قیمتی لزوماً تهدید محسوب نمی‌شوند، بلکه در بسیاری از مواقع می‌توانند فرصت‌هایی برای ورود مجدد، افزایش وزن سرمایه‌گذاری یا بهبود ترکیب سبد باشند. البته منظور از اصلاح، خرید بدون توجه به ارزش گذاری و شرایط سبد نیست. اصلاح زمانی می‌تواند به فرصت تبدیل شود که قیمت و وضعیت بنیادی شرکت، روند کلی صنعت و شرایط نقدینگی در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته باشند.

■ نقش ریسک‌های سیستماتیک در کنار تمام این موارد، نمی‌توان از ریسک‌های سیستماتیک بازار چشم‌پوشی کرد. بازار بورس همواره تحت تأثیر مجموعه‌ای از ریسک‌های سیاسی، اقتصادی، تصمیمات سیاست‌گذار، تغییر قوانین، نرخ بهره، نرخ ارز و سایر متغیرهای کلان قرار داشته است. این ریسک‌ها نیز در دوره‌های مختلف

باشند و شکل متفاوتی بر بازار سایه انداخته‌اند. در بسیاری از مواقع، همین ریسک‌های سیستماتیک باعث شده‌اند روند صعودی بازار با تأخیر شکل بگیرد یا رشد قیمت‌ها به جای یک حرکت سریع و قدرتمند، به صورت فرسایشی و مرحله‌ای اتفاق بیفتد. همچنین ممکن است یک صنعت یا بخشی یک شرکت از نظر بنیادی شرایط مناسبی داشته باشد، اما به دلیل افزایش ریسک‌های کلان، برای مدت طولانی با فشار فروش و کاهش ارزش معاملاتی مواجه شود. با این حال، نکته مهم در بررسی ریسک بلندمدت این است که ریسک‌های سیستماتیک اگرچه می‌توانند زمان بندی رشد بازار را تغییر دهند اما لزوماً نمی‌توانند ظرفیت ارزش آفرینی تمام شرکت‌ها و صنایع را برای همیشه از بین ببرند. در طول دوره‌های مختلف، بارها شاهد بوده‌ایم که بازار پس از پشت سر گذاشتن دوره‌های سنگین رکود، اصلاح یا فرسایش، مجدداً توانسته خود را بازیابی کند. در نتیجه، سرمایه‌گذاری بلندمدت بیش از آنکه صرفاً دنبال پیش‌بینی دقیق تک‌تک اتفاقات آینده باشد، باید بر شناسایی دارایی‌های ارزشمند، مدیریت ریسک و استفاده صحیح از دوره‌های ضعف بازار متمرکز باشد.

ادامه در صفحه ۲

اقتصاد ایران چگونه
از تله رشد پایین خارج می‌شود؟

دو گانه‌ای به نام
تورم و رکود

صفحه ۲

سپاه‌ها به غنیمت گرفتن یک
زهپاد امریکایی در تنگه هرمز خبر داد

زیر دریایی امریکایی در تور ایران

سپاه قرار دارد. سپاه همچنین وعده داده است که تصاویر این زیرسطحی را منتشر خواهد کرد. بر اساس توضیحاتی که در رسانه‌ها منتشر شده، این زیرسطحی از نوع Dive- LD معرفی شده و وسیله‌ای زیرسطحی، خودکار و بزرگ که برای مأموریت‌های طولانی مدت در آب‌های عمیق طراحی شده و بنا بر مشخصات سازنده

نیروی دریایی سپاه پاسداران در اطلاعاتی اعلام کرد که یکی از «مدرن‌ترین زیرسطحی‌های هوشمند و بدون سرنشین» ارتش آمریکا را در ورودی تنگه هرمز به دام انداخته و آن را به غنیمت گرفته است. در این اطلاعیه آمده است که عملیات در سحرگاه روز سه‌شنبه و با «شراف اطلاعاتی و عملیاتی پیچیده» انجام شده و شناور و یادشده اکنون در اختیار نیروهای



یادداشت-۳

امنیت ملی و تاب آوری اقتصادی

ثبات مقررات، پیش‌بینی‌پذیری سیاست ارزی، استقلال تصمیمات اقتصادی از مداخلات کوتاه‌مدت، تضمین حقوق مالکیت و اجرای قابل اعتماد قراردادها، شاید به اندازه تسهیلات بانکی در شکل‌گیری سرمایه‌گذاری اهمیت داشته باشد. «تبعیت تأمین مالی دولت» دیده شود. بخش خصوصی، بخشی از زیرساخت قدرت ملی است؛ زیرا دانش مدیریتی، شبکه بازار، فناوری، ظرفیت صادرات و امکان تصمیم‌گیری سریع را در اختیار دارد. اما حمایت از بخش خصوصی نیز نباید به معنای حمایت بی‌قید و شرط از بنگاه‌های بزرگ باشد. بنگاه کارآمد باید حمایت شود، نه صرفاً بنگاه بزرگ. دولت در اقتصاد تاب‌آور باید از تصدی‌گری گسترده به سمت تنظیم‌گری هوشمند حرکت کند، اما تنظیم‌گری هوشمند به معنای دولت ضعیف نیست.

دولت باید در حوزه‌هایی که شکست بازار پیامد امنیتی دارد، حضور قدرتمند داشته باشد: زیرساخت، انرژی، امنیت غذایی، فناوری‌های حساس، ذخایر راهبردی و مدیریت بحران. در سایر حوزه‌ها، رقابت، ابتکار بخش خصوصی باید میدان بیشتری پیدا کند.

ازسوی دیگر، ایران برای کاهش آسیب‌پذیری نباید میان «رون‌گرایی» و «وابستگی» یکی را انتخاب کند. راهبرد منطقی، تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی خارجی است. توسعه هم‌زمان روابط با آسیا، همسایگان، اقتصادهای نوظهور و بازارهای منطقه‌ای، در کنار تقویت ظرفیت داخلی، ریسک تمرکز را کاهش می‌دهد. تاب‌آوری از تعدد گزینه‌ها زیاده می‌شود. از این‌رو، شورایی عالی امنیت ملی می‌تواند نقشی مهم اما متفاد را ایفا کند. وظیفه این شورا نباید اداره اقتصاد باشد؛ بلکه باید اطمینان حاصل کند که تصمیمات اقتصادی، صنعتی، انرژی و فناوری و مالی با ملاحظات امنیت ملی در تضاد قرار نمی‌گیرند.

تشکیل یک «چارچوب ملی ارزیابی ریسک‌های اقتصادی و زیرساختی» می‌تواند نقطه آغاز این هماهنگی باشد. سرانجام، امنیت ملی فقط با افزایش قدرت نظامی ساخته نمی‌شود. کشوری که بتواند تولید خود را حفظ کند، سرمایه‌اش را نگه دارد، فناوری‌اش را توسعه دهد، مسیرهای تجاری متنوع ایجاد کند، فقط توان ضربه زدن نیست؛ توان ایستادن، ادامه دادن و دوباره ساختن است و این همان نقطه‌ای است که «تاب‌آوری اقتصادی» از یک سیاست اقتصادی به یک مولفه بنیادین امنیت ملی تبدیل می‌شود.



بهمن اکبری

کند، از ظرفیت بیشتری برای ادامه رقابت و بازسازی قدرت برخوردار است. از این جهت، امنیت ملی دیگر مفهومی تنها نظامی نیست، بلکه شامل امنیت اقتصادی یک کشور برای تحمل فشار، حفظ کارکردهای حیاتی و بازگشت سریع به وضعیت عادی، بخشی از قدرت بازدارندگی آن است. برای ایران، این مساله اهمیت مضاعف دارد.

تحریم‌های طولانی مدت، محدودیت دسترسی به فناوری و سرمایه، بی‌ثباتی ارزی و شوک‌های ناشی از تنش‌های منطقه‌ای، اقتصاد را در معرض فشارهایی قرار داده‌اند که لزوماً با افزایش درآمد ارزی یا تولید داخلی یک کالای خاص حل نمی‌شوند. مساله بنیادی‌تر، ظرفیت اقتصاد برای ادامه حیات و بازسازی در شرایط اختلال است. تاب‌آوری اقتصادی را نباید با خودکفایی اشتباه گرفت. خودکفایی می‌گوید «چه چیزی را خودمان تولید کنیم»، تاب‌آوری می‌پرسد «اگر یکی از مسیرهای تأمین از کار افتاد، چگونه مسیر دیگری ایجاد کنیم؟» اولی به مالکیت تولید تمرکز دارد و دومی بر قابلیت جایگزینی و استعمار. اقتصاد تاب‌آور اقتصادی نیست که هیچ وابستگی خارجی ندارد؛ اقتصاد همین که هیچ وابستگی منفردی نمی‌تواند آن را زمینگیر کند. از این منظر، نخستین ضرورت ایران، شناسایی «دارایی‌های حیاتی اقتصادی» است؛ انرژی، آب، غذا، دارو، ارتباطات، حمل و نقل، شبکه بانکی، زیرساخت دیجیتال و صنایع مادر. برای هر یک باید دانست در صورت قطع واردات، اختلال انرژی، حمله سایبری، جهش نرخ ارز یا محدودیت مالی، چه مقدار از ظرفیت تولید باقی می‌ماند و بازسازی آن چه زمانی و با چه هزینه‌ای ممکن است.

این‌نگاه، سیاست‌گذاری را از واکنش به بحران به آمادگی برای بحران منتقل می‌کند. اما هیچ نظام تاب‌آوری بدون سرمایه اجتماعی و اعتماد اقتصادی پایدار نمی‌ماند. سرمایه داخلی زمانی وارد تولید بلندمدت می‌شود که فعال اقتصادی بتواند آینده مقررات، ارزش سرمایه و امنیت قرارداد خود را تا حد قابل قبولی پیش‌بینی کند. سرمایه‌ای که هر روز میان ارز، طلا، ملک و فعالیت مولد در نوسان باشد، نه نشانه فقدان ثروت، بلکه نشانه ضعف محیط نهادی است، بنابراین یکی از ارکان امنیت اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری است.



به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

سامانه پیامکی روزنامه تعادل
مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.